

ترکابل

دلیل حایض

بر اساس نسخه خطی نویافته

به کوش:

محبت دم کل محمد

ترکیب و تفسیر: محمد مصور لاری عضو انجمن شیعیان ایران

1

موسم

المجلد ١٠، العدد ١، ١٩٩٩



حافظ حدیث سحر فرب خوش کلام

تأحد پسن و مصرو به اقصای روم و ری

بنام خدا

این نسخه دیوان لسان الغیب حافظ بر اساس نسخه خطی نویافته ای تعیین گردیده که به احتمال زیاد در تالیف کان نوشته شده و چون اوراتی از اقل و آخر آن افتاده مسانکات و تاریخ نوشتن و هویت نویسنده روشن نیست. ولی از ظاهراً آن برمی آید که نسخه کهنی است. زیرا جلد و احوال کتاب بریده لبه مادی حاشی پوسیده شده و متن صفحات نیز به رنگ زرد و تیره خاصی گرانیده که نشان از مدت روزگار آن دراز برای کتاب دارد.

اما مفضل از تاریخ نگارش و قدمت این کتاب موضوع شایان توجه و حائز اهمیت مجتویات آن است

۱- متن زیر نویس در صفحه پایانی کتاب

که نشان می‌دهد مجبوره تیر با کالی از آثار خواجه دآن کرد آوری شده است که شامل ۵۷۳ غزل بشوی
ساقی نامه بشنوی آبوی وحشی به قطعات، ترجیع بند و رباعیات می‌باشد که همه آنها با خط تعلیق نوشته شده
و متن و حاشیه صفحات نیز ساده و بدون خط کشی و صفحه آرایی است.

توضیحاً در نوشته های این نسخه خطی «اغلاط و اشتباهات زیادی چشم می‌خورد، از جمله آنکه در تعدادی از
بسیات کلماتی از قلم افتاده و در برخی دیگر کلمات تکرار شده و نیز در مواردی، کلمات و جملات ناخوانا بوده
و در پدیدار نیست مصراع دوم در دوبیت متوالی جابه‌جا نوشته شده و در مواردی دیگر، یک مصراع
در دوبیت متوالی آمده است.

مضافاً شیوه نگارش در این نسخه خطی با بک و شیوه نگارش متداول امروزی تفاوت یابی دارد
که این امر در مواردی موجب کمال و نوازدن برخی از کلمات و جملات می‌شود، از جمله بیشتر
کلماتی که حرف آخر آنها از حروف متصل است پیوسته به کلمه بعدی نوشته شده اند.

مثلاً در این مصراع: «کز آب بهفت بحر به یک موی ترشوی» جمله «یک موی» به این صورت نوشته شده:
«بیک موی» حتی در کلماتی که حرف آخر آنها «ه» غیر محفوظ است، اگر حرف اول کلمه بعدی الف باشد

در چند مورد حرف الف متصل به «ه» نوشته شده است مثلاً در بیت زیر:

طریق عشق پر آشوب فتنه است ای دل بیفتد آنکه در این راه با شتاب رود

جمله «فته است» در نسخه خطی به صورت «فتهاست» نوشته شده:

طریق عشق پر آشوب و فتنه‌ناست ایدل بیفتد آنکه در ایزراه با شتاب رود

در اینجا ممکن است خواننده در نگاه اول جمله «فتنه‌ناست» را «فتنه‌ناست» بخواند.

مورد دیگر آنکه در «ه» غیر محفوظ مخفوم به «ی» که در نوشته‌های امروزی معمولاً به جای حرف «ی» علامت همراه «ه» به کار می‌رود مثل «خانه من شیوه نگارش - نوشته او» در بیشتر موارد حسنزه دیده نمی‌شود. و نیز در کلماتی که بعد از «ه» غسیب می‌ماند باید «ای وحدت» نوشته شود مثل نام‌های - کرشمای - گوشه‌ای «در هیچ موردی «ای وحدت» نوشته نشده است بنونه‌ای از هر دو مورد مذکور را در دو بیت زیر می‌توان دید که نشان می‌دهد چنانچه نوشته شده است :

دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود بجز لب‌ها باز دل‌سوزده سوخته بود

رسم عاشق‌کشی و شیوه شهر آشوبی جامه‌ای دل‌بر قامت او دوخته بود

به طوری که ملاحظه می‌شود در مصرع دوم هر دو بیت بعد از کلمات غمزه و جامه «ای وحدت» نوشته نشده و نیز در مصرع اول بیت دوم، در کلمه «شیوه» همراه به کار رفته و بدیهی است که در این «درست» نظر شود و نیز مفهوم معنی آن ناقص است.

دیگر آنکه در بسیاری از موارد الف مدود به صورت الف ساده نوشته شده و از گذشته علامت «مد» تسخیر کرده که این امر به لحاظ آنکه واژه‌های جملات عموماً پیوسته به هم نوشته شده‌اند، در نگاه اول موجب اشتباه در خواندن جمله می‌شود مثلاً در این بیت :

که قطع داری از آن جام مرصع محلی سل درو یا قوت به نوک مرثعات بایدنت

جمله «آن جام» بصورت «انجام» نوشته شده است:

که قطع داری از آن جام مرصع محلی سل درو یا قوت به نوک مرثعات بایدنت

شایان توجه است که در این نسخه خطی مانند نوشته های عربی حرف «ک» دیده نمی شود و حرف مزبور

همه جا بصورت «ک»، «بایک سرکش» نوشته شده است که این نیز در مواردی ممکن است

موجب اشتباه در خواندن گمراه شود.

و اما در مورد ۷۱ غزل که در این نسخه خطی آمده پس از بررسی ها و مطالعات لازم، تعداد ۶۴ غزل

حذف و کنار گذاشته شده زیرا ۱۶ غزل است و کم مایه بوده و در مقایسه با غزلیات حافظ ارزش

و امت بار در خوری ندارد و نویسنده های خواجه نبی باشند به غزل نیستند و کبر شعری

معروف است اما دبیت آخر نام حافظ آمده است و با مطلع زیر که از سعدی است ولی دبیت آخر

نام حافظ نوشته شده است:

برخیز تا طریق تکلف را کنسیم و کان معرفت به دو چور کنسیم

و یا غزل با مطلع:

به فراق دل زمانی نظری به ما برونی به از آنکه چهره شاهی همه عمر و مای و هوئی

که از سروده های امیر خسرو دهلوی است.

اما در مورد قسبه غزل ما چون برای تصحیح اغلاط و تنظیم ابیات و غزلیات و احراز اصالت آنها تخمین تفاوت های این نسخه خطی با سایر نسخ لازم به نظر رسید که با چند نسخه معتبر از دیوان حافظ مورد مقایسه و مقابله قرار گیرند، بدین منظور با دیوان حافظ خلف الی تصحیح شاد و روانان علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی و نسخه مور تصحیح دکتر تامل خانری و نسخ مور تصحیح پیران نجیب یاری و انجمن شیرازی تصحیح تازه ای از نسخه خطی بکوشش بهرام اشتری مقابله شد. در نتیجه تفاوت های آن با هر یک از نسخ مذکور شخص گردید بشماره مقابل به نسخ قزوینی معلوم شد که این نسخه خطی دارای ۱۸ غزل است که در نسخه چاپی مذکور وجود ندارد و نیز ۲۳۸ بیت در غزل های نسخه خطی آمده که آن ابیات از نسخ قزوینی دیده نمی شود. همچنین در ۴ بیت مصرع اول یا دوم به نسخ مذکور تفاوت دارد و نیز در بیش از صد بیت از کلمات یا جملاتی استفاده شده که به نسخ قزوینی متفاوت است.

در اینجا لازم است خاطرنشان کرد که چون بسیاری از اشعار خواجه حاوی نکات فنی از معارف قرآنی و مضامین حکمی و عرفانی و اشارات پر رمز و ایام عشق و رندی و مفاهیم دقیق تاریخی و اجتماعی و ده ها نکته ظریف و دقیق دیگر آویخته به اوج شیوایی و لطافت شعری است بدین جهت به خواننده به فراخور مطالعه و تبحر و ذوق و سلیقه خود ممکن است درک و برداشت خاص و متفاوتی از آن داشته باشد. بر این اساس مطالب مطروحه در این مقدمه نیز در حد نبش نگارنده بوده که به عنوان نظریکی از شنیدگان اشعار آن حضرت به منظور توضیح بخشی از محتویات نسخه خطی بیان شده و از این دیدگاه باور دارم که

اولاً: ۱۸ غزل ۲۳۸ بیت که در بالا اشاره شده مجموعاً از جهت فصاحت و شیوایی و نکات نندی و عرفانی و آموزه های اخلاقی و اجتماعی و نقد و کنه شس عوام فریبی و ریاکاری مذهبی و ترغیب به آزاداندیشی و قائل و مدارا با دگراندیشان و امیدواری و بردباری در برابر سختی ها و جهات دگرنخست بسیار با کلام حافظ دارند که این خود می تواند نمونه اصالت آنها باشد مضافاً شاهد و قرآن دیگری بر اصالت برخی غزل ها در منابع معتبر دیده می شود؛ مثلاً در غزل مطلع:

روایت است من امر و ز بر این تیریم که جسم حاصل سی روزه و ساغر کیم
علامه علی اکبر در حاشیه ادبغت نامه برای تائید معنی واژه کش که معنی زیر بغل می باشد،
این بیت شمر این غزل با نام حافظ استفاده کرده است:

می به زیر کش و سجاده نهم بر کشم آه اگر خسلق شوند آله از این تزویرم
به نظری رسد که علامه و همدان با آگاهی و درک بسیار ژرف و گسترده ای که در عرصه لغت و شعر و ادبیات فارسی داشت و دقت و وسواس فوق العاده ای که در همه موارد به کار می برد و نظرش در اصالت این غزل حجت است.

ثانیاً: در مورد ۳ بیت نیز خطی که مصرع اول یا دوم آنها با نخته قزوینی تفاوت دارند می توان گفت که بیشتر مصرع های نخته خطی از نظر محتوا و لطافت شعری و هماهنگی مضامین و مصرع به موتبی بیشتری با آثار خواجه دارند.

در این خصوص بی‌مناسبت نیست که ده بیت را برای نمونه مورد مقایسه قرار دهیم، با این توضیح که
بیت اول از نسخه قدونی و بیت دوم از نسخه خطی است.

چهلماست بود آن را که حسین باده خورد	این چه عیب است بین بی‌خردی من چه خطاست
چهلماست بود آن را که چو باده خورد	این نه عیب است بر عاشق رند و نه خطاست
همی رویم بشیر از باغ غایت بخت	ز بی‌فریق که تخم جسمی آورد
نیم زلف تو شد خضر هم از غایت	ز بی‌فریق که تخم جسمی آورد
چو کشتش که دلم را نگاه دار چه گفت	نیت بنده چه خیزد خدا نمک دارد
نکه نداشت دل ما و جای رنجش نیست	ز دلف بنده چه خیزد خدا نمک دارد
دل من باز بود ارکان ابروینی است	ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
درواچند معلق زنی و جبهه کفی	ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
دل من باز بود ارکان ابروینی است	ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
دل من باز بود ارکان ابروینی است	کاین صیدش جان و دل و دین آمد
بخت حافظ و انفس سحر خیزان بود	که زبند غم ایام نخباتم دادند
بخت پیر میان و نفس رندان بود	که زبند غم ایام نخباتم دادند
ز دیده خون بچکاند فغان حافظ	چو یاد وقت زمان شباب و شب کند

ز دیده خون چسب کاغذ فغانه حافظ
 دل در جهان مسند و بتی سوال کن
 از فیض جام قصه بشید کامکار
 فرصت شمار دولت و بشو به کوش هوش
 بر دهنش مباد ازین خاکیان غباری
 هرگز که دیده باشی حسی ز جان کرب
 بر دهنش مباد ازین خاکیان غباری
 عاقلان را نبود چاره به جز بکسینی
 صبر بر جور رقیبت چه کنم اگر نغم
 عاقلان را نبود چاره به جز بکسینی
 بعلانیان ما که دانی که به سر منزل عشق

بامقایه ابیات بالا طبعاً در وادعای مطمح می شود که کدام مصرع صیل است؟ در پاسخ می توان پنداشت که
 مصرع های مورد بحث در هر دو صحیح است و از سروده های حافظ می باشد و علت اختلاف در این
 است که خواجه بهاره به بازبینی سروده های خود پرداخته و با گذشت زمان که آگاهی و تجربه و بینش
 و تفکر او کامل تر و توان بخوری او افزایش می یابد سروده های پیشین را ویرایش و تصحیح و تکمیل
 می نموده تا به آنها معانی بهیسه و مضامین مطلوب تر و شیوایی بیشتری بخشد.

مثلاً در این بیت:

بمی رویم بشیر از با عنایت نخت
 ز بی فریق که نغم بهیسه می آورد
 از مضامین اول چنین بر می آید که ظاهر خواجه در سفری که به یزد با اصنافان داشته بهنگام بازگشت

بشیر از دآن حال و هوا و شرایط سرفیت مزبور را سروده ولی بعد اصراع اول را تفسیر داده و آن را
 با مضمونی عارفانه و عاشقانه به صورتی که در بالا نقل شد تصحیح و تنظیم کرده است .
 در رابطه با این بحث ، جادار دیت دیگری از نسخه خطی را که مصرع اول آن با نسخه قزوینی متفاوت است
 از نظر محتوا و مضمون نیز مورد بررسی و مقایسه قرار دسیم :

دغزل شماره مطلع :

ای دل مباش یکدم خالی از حق و مستی و آنگه برو که رستی از یستی و هستی
 میت دوم غزل در نسخه قزوینی چنین آمده است :

کر جان به تن ببینی مشغول کار او شو هر تنی ای که ببینی بهتر خود پرستی
 میت مزبور در این نسخه خطی چنین آمده :

کر غرقه پوش ببینی مشغول کار خود باش هر قبله ای که بشناسی بهتر خود پرستی
 بطوری که ملاحظه می شود میت مذکور در نسخه قزوینی و نسخه خطی پیامی است که می رسد
 که عبارت از انو حش خود پرستی است .

خود پرستی که با عناوین دیگری همچون خود مین ، خود کامه ، خود رای ، خود خواه ، خود پسند و خود شیفته
 آمده است ، غمی خصیلتی به شدت زشت و زیانبار شناخته می شود که نه تنها موجب برکنجین از جبار
 دیگران و سقوط شخصیت فردی انسان می گردد بلکه ، در صحنه فعالیت اجتماعی نیز بر حسب جایگاه می تواند

آثار و تجات بسیار مغرب و تبا که کنده در پی داشته باشد، بی جست نیست که حافظ نه فقط در این بیت که در ابیات دیگری نیز به بار زده تقبیح و نکویش شدیدی آن پرداخت و در جایی خود پرستی را بر مان نادانی دانسته است.

نیکنامی خواهی ای دل باده صحبت مدا خود پرستی جان من بر مان نادانی بود
حال باید دید مصرع اول کدام بیت مناسب تر و با کلام حافظ بمبونی و نغمت بیشتر دارد؟
به ما یاد بخاند مصرع اول این بیت به صورتی که در نسخ قزوینی آمده مبهم و نامفهوم است اما در نسخه خطی معنی آن روشن بوده و بایستی اعتقادی و منبش حافظ نیز بمبوم آبست می باشد، زیرا می دانیم که مخطوط از خرقه پوش، اشاره به صوفیان است.

و نیز از مفهوم منی عبارت «نول کا خود باش» می توان کی از اصول مهم اعتقادی و اندیشه بلند حافظ را دریافت و آن عبارت از تکیه بر سل و تسامح و مدارا با مخالفین عقیدتی و احترام به افکار و باورهای دیگران است. بدین توضیح که عبارت «منزل کا خود باش» مفهوم دیگرش این است که «به دیگران کاری نداشته باش» به صدق بیت دیگری از حافظ که فرموده:

من اگر خوم و کر بد تو برو خود را باش
هر کی آن درود عاقبت کار که گشت
به عبارت دیگر بمضمون بیت رامی توان چنین بیان کرد که اگر صوفی مسلکی بسینی بهر اندازه هم با عقاید و مرام و مشرب او مخالف باشی اما با رعایت مدارا و تامل، کاری به او نداشته باش و به کار خودت

بپرد از زیر بر شراب و مسک و سرم و آئینی که مقبول او باشد بهتر از خود پرستی است.

ثالث: در مورد کلمات و جملات متفاوتی نیست که در بسیاری از ابیات این نسخه خطی به کار رفته توضیح می‌دهد که در نسخه خطی دیوان حافظ کلمات یا جملات متفاوت با نسخ دیگر چشم می‌خورد. آنالیز این می‌توان گفت که دام کلمه یا جمله اصل است.

و بنین امر یکی از موارد اختلاف نظر بین حافظ پژوهان است.

در مورد کلمات و جملات متفاوتی که در این نسخه خطی آمده می‌توان گفت که عموماً به اقتضای مزید لطافت شعری و بهایستی مضامین و توضیح به کار برده شده است و این بخوبی که اصالت کلام حافظ را تداعی می‌کنند. در این رابطه جادو دارد که برای نمونه بیت اشاره کنیم:

۱- مادر سحر در ده میخانه نهادیم / محمد را در ده جانانه نهادیم

بیت مزبور در نسخه خطی چنین است:

ماورده حشر بر سر میخانه نهادیم / اوقات دعا در ده جانانه نهادیم

با مقایسه دو بیت مذکور شاید بتوان گفت که بیت نسخه خطی فصیح‌تر و با کلام حافظ هم آهنگ است. زیرا اولاً عبارت «و در حشر» در کلام حافظ جایگاه خاصی دارد و در ابیات متعددی چشم می‌خورد، مثل ابیات زیر:

صوفی ماکه زور و دهری مست شدی / شاکا حشر نکران باش که سرخوش باشد